

گستره ردیله رفتاری تقلب، و پیامدهای آن

محمدتقی سبحانی نیا / استادیار دانشگاه قرآن و حدیث
دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۵ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۳

mt.sobhany@gmail.com

چکیده

«تقلب» یکی از ردایله رفتاری است که رواج آن در یک محیط انسانی، اعم از محیط کار، تحصیل یا در سطح کلان جامعه، تبعات بسیار سنگین و جبران ناپذیری به دنبال دارد. آگاهی از پیامدهای این ردیله رفتاری، یکی از راهکارهای منع رواج این ردیله در جامعه به شمار می‌رود؛ ردیله‌ای رفتاری که ممکن است در صورت استمرار آن، به ردیله اخلاقی تبدیل شود. مهم‌ترین انواع تقلب در تحصیل، امور اقتصادی، مالی و تقلب در امور حاکمیتی و پست و مقام متجلی می‌شود. پیامدهای ناگوار آن، در دو بخش فردی و اجتماعی آشکار می‌گردد، به گونه‌ای که فرد متقلب بیش از هر کسی متحمل آن خواهد شد. در این مقاله، با روشی کتابخانه‌ای تلاش شد تا پیامدهای فردی و اجتماعی آن به تفکیک شناسایی و تبیین شود. در مسیر دستیابی به این مهم، از منابع قرآنی و روایی در حد امکان بهره‌گیری شده است.

کلیدواژه‌ها: تقلب، دروغ، ردایله اخلاقی، آسیب‌های اجتماعی، پیامدهای تقلب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تقلب رفتار ناخوشایندی است که در جامعه امروز، به اشکال و در حوزه‌های رفتاری گوناگون قابل مشاهده است. انگیزه ارتکاب رفتار متقلبانانه از آنجا است که در اغلب موارد می‌تواند فرد متقلب را به اهداف نامبارک خود در زمانی کوتاه برساند و او را از منافع ظاهری مورد نظرش بهره‌مند سازد؛ غافل از اینکه زبان تقلب، پنهان است. در حقیقت، آن کسی که بیش از همه زیان خواهد دید، شخص یا گروهی است که مرتکب تقلب شده است. البته به نظر می‌رسد، پیامدهای خطرناک اجتماعی رواج چنین رفتاری بسیار سهمگین‌تر از پیامدهای فردی آن است؛ زیرا نتایج و پیامدهای آن را ملت باید متحمل شده، در صورت رواج حداکثری، حاکمیت را نیز تهدید خواهد کرد. به نظر می‌رسد، یکی از راهکارهای مقابله با رواج تقلب در عرصه‌های رفتاری، آگاه ساختن جامعه از پیامدهای ناگوار آن است. این مقاله، با روش کتابخانه‌ای تلاش دارد تا مجموعه پیامدهای تقلب را در سه بخش فردی، اجتماعی و اخروی، با اتکا به آموزه‌های قرآنی و حدیثی تبیین نماید. روشن است در آغاز نیازمند کشف مفاهیم و معانی مفردات بحث مورد نظر هستیم.

مفهوم تقلب

در آغاز، لازم است با معانی لغوی و اصطلاحی واژه «تقلب» آشنا شویم. این واژه از ریشه «قلب» است. یکی از معانی قلب، برگرداندن و برگردیدن چیزی را به گونه دیگری در آوردن، زیر و رو کردن و نوعی چرخش و مخفی ساختن چهره است (زیبیدی، ۱۴۱۴ق، واژه‌القب (ق-ل-ب)). به همین دلیل، تغییر یا دگرگونی زمان را «تقلب زمانی» و دگرگونی احوال را «تقلب احوال» دانسته‌اند. دهخدا در کتاب لغت خود، در بیان معنی این واژه به نقل از لغویین می‌نویسد:

تقلب «ت ق ل ل ب» (ع مص) دست انداختن در امور به خواست خود. (منتهی الارب) (ناظم الاطباء). تصرف در کارها به خواهش خود. (آندراج) (اقرب الموارد). || برگشتن. (ترجمان جرجانی ترتیب عادل بن علی) (منتهی الارب) (ناظم الاطباء). برگردیدن. (زوزنی). و برگردیدن (تاج المصادر بیهقی). و اگر دیدن و برگردیدن. (مجمعل اللغة). بسیار گردیدن و گردش. (غیاث اللغات) (آندراج) (از اقرب الموارد). غلطیدن در فراش از جانبی به جانب دیگر و يقال: الحیة تتقلب علی الرضاء. (اقرب الموارد). انقلاب و تحول و برگشت (ناظم الاطباء). تغییر و تبدیل: و مزاج او به تقلب احوال تفاوتی کم پذیرفت (کلیله و دمنه). و هر بنا که بر قاعده عدل و احسان قرار گیرد... اگر از تقلب احوال در وی اثری ظاهر نگردد و دست زمانه از ساحت سعادت آن قاصر ماند بدیع ننماید (کلیله و دمنه). همیشه تا که فلک را بود تقلب دور همیشه تا که زمین را بود ثبات و قرار (سعدی، مواعظ «قطعات» ش ۱۲۹؛ دهخدا، ۱۳۷۷، واژه تقلب).

در دعای آغاز سال نیز می‌خوانیم: «یا مقلب القلوب و الاحوال»؛ ای دگرگون‌کننده قلب‌ها و حال افراد. این دگرگونی و زیر و رو شدن و تغییر کردن در حقیقت، همان معنای قلب یا تقلب احوال است.

البته دگرگونی و برگرداندن انواعی دارد. برای مثال، تبدیل شدن از حال بد به حال خوب یا بعکس، یکی از انواع قلب شدن است. از این‌رو، در ادامه دعای تحویل سال، تبدیل شدن حال بد به بهترین حال‌ها خواسته ماست؛ آن هنگام که می‌خوانیم: «حوّل حالنا الی احسن الحال». همچنین، گاهی مراد از «قلب»، یعنی آشکار شدن باطن شیء است (زیبیدی، ۱۴۱۴ق، واژه‌القب (ق-ل-ب)). اما گاهی در تبدیل و قلب، پنهان شدن چهره واقعی یک امر و آشکار کردن

چیزی که واقعیت ندارد، انجام می‌شود. به این نوع تغییر، که چهره نامطلوبی دارد و واقعیت را می‌پوشاند و چهره زیبایی، که عدم مطابقت با واقعیت را می‌نمایاند، تقلب از نوع منفی گفته می‌شود. معنایی از تقلب که در این پژوهش مراد ماست و در اصطلاح ادبیات فارسی محاوره‌ای معاصر نیز از واژه «تقلب» است، همین معنا اراده می‌شود. از این‌رو، هرگونه پنهان کردن واقعیت چیزی و نمایان ساختن چهره غیرواقعی، می‌تواند مصداقی برای تقلب به‌شمار آید. بنابراین، در تقلب به مفهومی که در این پژوهش اراده شده است، چهره واقعی یک پدیده‌ای پنهان شده و چهره غیرواقعی متفاوت و مطلوبی از آن پدیده آشکار می‌شود. از این‌رو، تقلب معنای وسیعی یافته، مصادیق بی‌شماری پیدا می‌کند. بر اساس این معنا، مکر، نیرنگ یا خدعه نیز نوعی تقلب است؛ زیرا در این امور، واقعیت پنهان شده و حقیقت به صورت وارونه نمایش داده می‌شود تا مخاطب فریب خورده، فرد مکار و نیرنگ باز به هدف خود نائل شود. همچنین، نفاق نیز نوعی تقلب است؛ زیرا فرد منافق در رفتار خود آن را که در دل دارد، آشکار نمی‌کند و در رفتار خود ظاهرسازی کرده، درصد فریب مخاطب است.

ماهیت رفتار متقلبانه

به‌طور کلی، رفتاری که با نوعی تقلب همراه است، اجتماعی است. یعنی صرفاً فردی و درون شخصی نیست که به کسی ارتباط نداشته باشد و نهی از آن، دخالت در امور دیگران شمرده شود. اگر چه ممکن است در زمان صدور آن رفتار، صرفاً شخصی به نظر آید. به عبارت دیگر، رفتارهایی که ظرفیت ارتباط یافتن به دیگران داشته باشند، اگرچه در زمان صدور فردی باشند نیز می‌توانند به صفت «تقلب» متصف شوند. فرض کنید فردی برای خود خانه‌ای می‌سازد. او اگر در ساخت این خانه، از مصالح بسیار نامرغوب و غیرمتعارف استفاده می‌کند، ولی به هنگام روی کار یا همان نازک‌کاری، از مصالح مرغوب استفاده کرده، آن را به ظاهر شیک و با کیفیت بنمایاند؛ چنین فردی مرتکب رفتاری متقلبانه شده است. این اقدام، اگر چه ممکن است از یک نظر، مربوط به صاحب کار بوده، فردی تلقی شود، اما از دو جهت اجتماعی است: نخست آنکه، به هر حال در آن خانه خانواده او نیز ساکن خواهند شد و نیز گاهی میهمان وارد می‌شود. دوم اینکه، ممکن است روزی تصمیم به فروش منزل گرفته شود. در این صورت، انتفاع از آن منزل، فردی نخواهد بود و دیگری نیز از آن انتفاع خواهد برد. اینک رفتاری که روزی فردی به‌شمار می‌آید، تبدیل شده به رفتاری که آسیب آن متوجه دیگران شده، به رفتاری اجتماعی تبدیل شده است. بنابراین، رفتار متقلبانه رفتاری است که فرد برای رسیدن به منفعتی که استحقاق آن را ندارد، انجام می‌دهد تا از طریق فریب مخاطب، به آن منفعت نائل آید.

رابطه تقلب با دروغ

همان‌گونه که گذشت، در تقلب واقعیت آن‌گونه که هست، نشان داده نمی‌شود و حقیقت وارونه انعکاس می‌یابد. این معنا با آنچه در دروغ اتفاق می‌افتد، یکی است؛ با این تفاوت که در دروغ خلاف واقع در سخن اتفاق می‌افتد؛ یعنی

دروغ در گفتار است، اما تقلب در رفتار (زیبیدی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۳۱). بنابراین، می‌توان تقلب را نوعی دروغ رفتاری نامید. فرد متقلب تلاش می‌کند با رفتار خویش، امری را که واقعی نیست، واقعیت جلوه دهد. مثلاً، کالای خود را واقعی و اصل بنمایاند و اصیل نبودن آن را پنهان کند، اگر چه به زبان سخنی نگفته باشد. براین اساس، اگر چنین فردی اهل دروغ دانسته و کذاب خوانده شود، دور از واقعیت نخواهد بود.

اما اگر چه در لغت و نیز در لسان آیات و روایات، دروغ بر کلام غیرصادق تطبیق یافته، اما از آیه‌ای در قرآن کریم می‌توان به دست آورد که تقلب در رفتار نیز دروغ دانسته شده است. «وَجَاءُوا عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ، قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ» (یوسف: ۱۲-۱۸)؛ و پیراهن یوسف را آلوده به خون دروغ نمودند (و نزد پدر آوردند). یعقوب گفت: بلکه امری (زشت قبیح) را نفس مکار در نظر شما بسیار زیبا جلوه داده، در هر صورت صبر جمیل کنم که بر رفع این بلیه، که شما اظهار می‌دارید بس خداست که مرا یاری تواند کرد.

اتصاف خون روی پیراهن یوسف به خون دروغین، حاکی از این است که این رفتار برادران یوسف دروغ بوده، خون هم خون دروغین خواهد بود. همچنین، خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «نَظَرُ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (انعام: ۲۴)؛ ببین چگونه به خودشان (نیز) دروغ می‌گویند، و آنچه را به دروغ همتای خدا می‌پنداشتند، از دست می‌دهند!

به نظر می‌رسد، مقصود از «دروغ گفتن به خود»، باور دروغین و غیرواقعی است، نه اینکه فرد واقعاً با خود سخن بگوید و با سخن خود را فریب دهد؛ زیرا آنچه موجب فریب این دسته از انسان‌ها شده، کلام دروغ نبوده است، بلکه اعتقاد غیرواقع و دروغین بوده است. نتیجه اینکه از این آیات و برخی آیات مشابه (نجم: ۱۱) استفاده می‌شود که دروغ به دو نوع گفتاری و رفتاری قابل تقسیم است. رفتار متقابلانه یا رفتاری که واقعیت را آن‌گونه که هست آشکار نمی‌کند، مصداقی از دروغ است؛ می‌توان آن را دروغ عملی نامید.

واژگان مترادف

علاوه بر ارتباط نزدیک معنایی بین تقلب و کذب، واژگان دیگری را نیز در زبان عربی می‌توان یافت که با واژه «تقلب» قرابت معنایی دارند. این کلمات، عبارت است از: «المکر»، «الخدعة» و «الخیانة». در این کلمات، نوعی فریب مخاطب وجود داشته، واقعیت از نظرش مخفی می‌شود تا به مقصودش نرسد. در حقیقت، فردی که فاعل خدعه و مکر و یا خیانت بوده است، به مقصودش نائل آید. به هر حال، در همه این رفتارها قلب واقعیت اتفاق افتاده، با وارونه جلوه دادن واقعیت، مخاطب فریب خورده و فرد فریبکار به مقصود خویش می‌رسد. وجه اشتراک دیگر این واژه‌ها، با واژه کذب و تقلب این است که این رفتارها نیز از سوی خدا و اولیای الهی مورد نهی قرار گرفته، فاعل آن جایگاهی بهتر از جهنم نخواهد داشت (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ح ۱۹۰۳۴-۱۹۰۴۱).

انواع تقلب و گستردگی آن

با توجه به آنچه گذشت، به نظر می‌رسد تقلب می‌تواند بسیار گسترده و فراگیر و متنوع باشد و به همه رفتارهای آدمی سرایت کند. به‌طور کلی، جوامع بشری هیچ‌گاه از ابتلای به فراگیر شدن تقلب، در امان نیست. همواره زمینه قلب واقعیت و آشکار ساختن چیزی که واقعیت ندارد، وجود دارد. از این رو، در رفتارهایی چون خدعه و مکر نیز خلاف واقع نمایان شده و در حقیقت، نوعی تقلب صورت می‌گیرد. اینک به چند نمونه از انواع تقلب، که در ابعاد و عرصه‌های گوناگون زندگی رخ می‌دهد و از گستردگی زیادی برخوردار است، اشاره می‌کنیم:

الف. تقلب در امر تحصیل

شاید نخستین جایی که فرد با حضور در جامعه، به صورت جدی و فراگیر با مفهوم تقلب و رفتار متناسب با آن آشنا می‌شود، دوران تحصیل در مدرسه است. تقلب در رفتارهای تحصیلی، مصادیق فراوان دارد. به‌طور کلی، زمینه بسیاری برای رفتار متقلبان در این دوران فراهم می‌شود. برخی از شایع‌ترین اشکال تقلب در تحصیل، تقلب به هنگام آزمون و امتحان است. کوتاهی در تقبیح یا بیان زشتی این رفتار ناشایست توسط نظام آموزشی، به اندازه‌ای است که دانش‌آموزان، موفقیت در تقلب را نوعی زرنگی برای خود قلمداد کرده، از بیان آن احساس شرم نمی‌کنند. نوع دیگر تقلب در دوران تحصیل، تقلب در تدوین تحقیقات و پایان‌نامه‌های دانشجویی است. در اصطلاح، به این نوع تقلب، انتحال یا «سرقت علمی» گفته می‌شود. در این مرحله، افراد متقلب هرگز رفتار ناپسند خود را افشا نمی‌کنند؛ زیرا غالب دانشجویان نسبت به زشتی این رفتار و نیز از اینکه آشکار شدن تقلب، می‌تواند موجب بی‌آبرویی شود و یا حتی اعتبار مدرک تحصیلی آنان را مخدوش سازد، آگاهند. بنابراین، تلاش می‌کنند عمل خود را مخفی نگاه داشته، آن را بیان نکنند و یا منکر آن شوند.

ب. تقلب در امور مالی و اقتصادی

شایع‌ترین نوع تقلب در امور مالی و اقتصادی، واقع می‌شود. همان‌گونه که در تعریف تقلب گذشت، دستیابی به منفعت عامل اصلی تقلب است. از آنجاکه منافع مادی و مالی، از ملموس‌ترین منافع برای عموم افراد است، تقلب در این حوزه نیز شایع و بسیار متنوع است. جعل مدرک، سند و ارائه مدرک دروغین، برای دستیابی به نفع اقتصادی و یا برای جلوگیری از یک زیان مالی، به اندازه‌ای فراوان و گوناگون است که شناسایی همه انواع و اشکال آن امکان‌پذیر نیست. ارائه دفاتر دروغین به مأموران مالیاتی، دستکاری، جعل یا تغییر اسناد و مدارک حسابداری، یا سایر مدارک، ارائه نادرست آثار مالی معاملات یا حذف آنها از اسناد و مدارک برای به دست آوردن مزایای مالی غیرقانونی، تنها برخی از انواع بی‌شمار تقلب در عرصه امور مالی و اقتصادی است.

همچنین، تقلب در امر صادرات و واردات، تقلب در امور گمرکی و تقلب در امور بانکداری، به‌ویژه در بخش تخصیص اعتبارات، از انواع تقلب‌هایی است که گاهی به سوءاستفاده‌های کلان مالی و پدیده شوم اختلاس می‌انجامد. تقلب در خرید و فروش نیز از جمله انواع تقلب‌هایی است که فراگیری آن، به شکل خرد و کلان بسیار زیاد

است. از تقلب در فروش محصولات کشاورزی، که در ادبیات دینی از آن به «غش در معامله» یاد می‌شود، تا تقلب در درج مارک کالای مرغوب، برای کالای نامرغوب.

به هر حال، در تقلب مالی، جرمی اقتصادی صورت می‌گیرد که در آن نوعی کلاهبرداری، فریب یا دروغ تحقق خارجی می‌یابد. افرادی که خریدار و استفاده‌کننده از کالا هستند، فریب خورده در دام متقلبان گرفتار می‌آیند. گاهی تقلب به شکل دستکاری یا ایجاد اختلال در اطلاعات، حقایق و امور کارشناسی صورت می‌گیرد. این رفتار، همواره از سوی افرادی انجام می‌شود که در پی نفع خصوصی خویش هستند. در موارد بی‌شمار، این رفتار غیراخلاقی و غیرشرعی، زمانی روی می‌دهد که یک فرد در حالی که مسئولیت اجرای دستور یا انجام وظایف محوله بر اساس آیین‌نامه‌ها و شرح وظایف داخلی سازمان را دارد، جریان اطلاعات را برای منافع شخصی خود، یا فرد مورد نظرش تغییر دهد. با ذکر این موارد و برشمردن انواع و اشکال گوناگون تقلب، به خوبی روشن است که دامنه تقلب از رشوه و اختلاس بسیار بیشتر است.

البته شکل دیگری از تقلب متصور است که از آن به «تقلب سازمان‌یافته» یاد می‌شود. برای مثال، هنگامی که نهادهای دولتی و نمایندگان و ملت در شبکه‌های تجاری غیرقانونی کلاهبرداری و اخاذی وارد می‌شوند. یا به جعل اسناد، قاچاق و دیگر جرایم اقتصادی سازمان‌یافته، که مجازات رسمی برای آنها تعیین شده - دست می‌زنند، تقلبی سازمان یافته روی داده است. چنانچه سیاستمداران و نمایندگان حکومتی، سهمی بگیرند تا چشمان خود را بر جرایم اقتصادی ببندند، آنها نیز در انجام این نوع تقلب دست داشته‌اند.

ج. تقلب در امور مربوط به حاکمیت برای احراز پست و مقام

نوع دیگری از تقلب، برای نائل شدن به منفعتی غیرمالی است؛ اگر چه معمولاً منافع مالی نیز به دنبال دارد. این نوع منفعت، در مورد نیل به منصب‌های مدیریتی و دست یافتن به پُست و مقام قابل تعریف است. چه بسیار متقلبانی که برای رسیدن به جایگاه مدیریتی و یا نگهداری آن، مرتکب تقلب‌های کوچک و بزرگ می‌شوند. تقلب در ارائه رزومه و بیلان کاری، تقلب در نفی صلاحیت دیگران و نیز زدویندهای پنهانی و لابی با افراد ذی‌نفوذ، از جمله اشکال گوناگون تقلب در این عرصه است. در این میان، تقلب در امر انتخابات و نیز زدویند و لابی برای اخذ رأی اعتماد، از بارزترین نوع تقلب در این حوزه است؛ با این تفاوت که در تقلبات انتخاباتی غالباً این پدیده شوم، به تنهایی انجام نمی‌شود، بلکه به صورت فراگیر، سیستمی و نظام یافته انجام می‌گیرد؛ گاهی بسیار وسیع بوده، افراد بی‌شماری برای نتیجه بخش بودن تقلب، در آن دخیل می‌شوند.

خلاصه اینکه، موارد مذکور فقط چند نمونه از شایع‌ترین انواع تقلب است که در برخی جوامع رایج است و هر جامعه‌ای که صداقت، راستی و درستکاری را به کناری نهاده باشد، لاجرم از ارتکاب هرگونه تخلف و از جمله تقلب ابایی ندارد و از این طریق، هزینه‌های بسیاری بر آن جامعه تحمیل می‌کند. در نتیجه، اکثریت افراد آن جامعه، زیر فشارهای گوناگون ناشی از رفتار متقلبان، که غالباً از افراد ذی‌نفوذ نیز هستند، آسیب جدی می‌بینند و حقوقشان پایمال می‌گردد.

پیامدهای تقلب

همان‌گونه که اشاره شد، تقلب رفتاری است که همواره جنبه اجتماعی پیدا می‌کند و اصولاً برای اینکه دیگری فریب داده شود، صورت می‌گیرد. با این حال، برای تقلب فقط پیامد اجتماعی متصور نیست، بلکه پیامدهای آن را باید در دو حوزه فردی و اجتماعی رصد کرد.

الف. پیامدهای فردی (مربوط به فرد متقلب)

یکی از مهم‌ترین راه‌های ممانعت از رفتارهای ناپسند، آگاهی‌بخشی نسبت به پیامدهای ناگوار آن است. بی‌شک آگاهی از پیامد تقلب، می‌تواند برای جلوگیری از صدور چنین رفتاری، نقش مؤثر داشته باشد.

تقلب برای نیل به سود و منفعت انجام می‌شود. اما حقیقت این است که فرد متقلب، ممکن است فقط در یک مقطع زمانی کوتاه، از منفعت ظاهری آن بهره‌مند شود. درحالی‌که بر اساس تفکر دینی، انسان متقلب در همه احوال زیانکار است و در مقابل سود کمی که در ازای تقلب به دست می‌آورد، زبانی بسیار بزرگتر برای خود رقم زده است. پیش‌تر گفته شد، تقلب یکی از شکل‌های دروغ و از نوع دروغ رفتاری است. بنابراین، اگر تبعات آن فراتر از دروغ‌گفتاری نباشد، کمتر نخواهد بود. اما از آنجاکه واقعیت را برای همیشه نمی‌توان پنهان کرد و سرانجام واقعیت خود را نمایان خواهد ساخت و فرد متقلب رسوا خواهد شد. این امر به اندازه‌ای در نزد جوامع پذیرفته شده و تجربه شده است که در زبان‌های مختلف، برای آن مثل‌های زیبایی رواج یافته است. برای مثال، در زبان فارسی ضرب‌المثل‌هایی چون «خورشید پشت ابر نمی‌ماند» و «زمستان رفت رو سیاهی به زغال ماند»، از این جمله است. در ادامه برخی از پیامدهای تقلب عبارت است از:

۱. آلودگی نفس

از مهم‌ترین پیامدهای تقلب، هزینه گزافی است که فرد متقلب برای این رفتار زشت خود می‌پردازد. انسان متقلب، برای عمل خود پاکی خود را فدا می‌کند و وجود خویش را به پلیدی آلوده می‌سازد. انسان متقلب، از انسانیت و شرافت خود، برای رسیدن به مقصود خویش هزینه می‌کند. این تنها یکی از هزینه‌هایی است که برای رسیدن به هدف ناصواب خود پرداخته است. براین اساس، هیچ تقلبی با هیچ منفعتی ارزش پرداخت چنین هزینه‌ای را ندارد؛ زیرا موجب زیان متقلب خواهد شد. اگر چه در ظاهر به نظر آید که او از عمل خویش بهره برده است. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «همه پلیدی‌ها در یک خانه‌ای نهاده شده و کلید آن دروغ قرار داده شده است» (شهید اول، ۱۳۶۵، ص ۴۳؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ح ۱۷۵۲۸). بنابراین، کسی که به نوعی به دروغ متوسل می‌شود، خود را به پلیدی آلوده ساخته است. درحالی‌که اگر آدمی، برای نفس خویش ارزش و احترام لازم را قائل باشد، خویشتن را به بدی آلوده نمی‌کند. این حقیقت در کلام امام علی علیه السلام این‌گونه انعکاس یافته است: «آن کس که بزرگی و کرامت نفس خود را باور داشته باشد، آن را با گناه، پست و خوار نخواهد کرد» (لبی‌الواسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۳۹). آن

حضرت در سخن زیبای دیگری، می‌فرماید: «کسی که نفس خود را گرامی بدارد، شهوات و خواسته‌های نفسانی در پیش او حقیر و بی‌ارزش خواهد بود» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ح ۴۴۹). همچنین، در سخن نورانی دیگری فرموده است: «هر کس کرامت و بزرگواری نفس داشته باشد، دنیا را پست می‌انگارد» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷۸). پس آنکه دنیا را پست و ناچیز شمارد و یا خود را ارزشمندتر از امور دنیوی و فانی بداند، هرگز خود را به امور دنیوی و پست، آن هم از راه ناصواب آلوده نمی‌کند و آنکه آلوده کرد، کرامت و شرافتش بر باد است.

۲. خواری و ذلت در دنیا

یکی دیگر از پیامدهای تقلب، خواری و حقارت و ذلت است. چگونه است که فرد دروغگو، حقیر و خوار باشد و ذلت در انتظار او باشد، اما فرد دروغکار چنین نباشد؟! بی‌شک چنین فردی، هم در درون خویش و در نزد خویش خوار و زبون است و هم در نزد پروردگارش و هم خواری ذلت در نزد دیگران در انتظار اوست؛ یعنی فرد متقلب و دروغ گفتار و کردار، نزد هموعان خفیف است و حرمتش زایل می‌شود. آن‌گونه که از پیامبر خدا روایت شده است که فرد دروغگو دروغ نمی‌گوید، مگر به سبب حقارتی که در درون اوست (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ح ۱۷۵۳۱). همچنین امیرمؤمنان علیه السلام، نتیجه دروغگویی را خواری در دنیا دانسته است (آمدی، ۱۳۶۰، ح ۴۶۴۰).

براین اساس، کسانی که به آینده می‌اندیشند و عواقب کار را در نظر می‌گیرند، غالباً از دروغ و تقلب پرهیز می‌کنند؛ زیرا این عمل با عقل سلیم و خرد کامل سازگاری ندارد. از این رو، امام کاظم علیه السلام فرموده است: «خردمند دروغ نمی‌گوید اگرچه منافع او در آن باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۳۰۵، ح ۱؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ح ۱۷۵۰۷).

۳. زوال ایمان

در بسیاری از متون وحیانی، نشانه ایمان به زیادی نماز و روزه نیست. همچنین، نشانه ایمان در ظاهر آراسته داشتن نیست، آنچه از دینداری و کمال ایمان فرد حکایت می‌کند امانتداری، وفای به عهد و راستگویی و درستکاری است. پس آنکه مرتکب تقلب می‌شود و در رفتارش خلاف واقع را نمایان می‌سازد و واقعیت را می‌پوشاند، ایمان خود را هزینه می‌کند و در ازای پرداخت ایمان، منفعتی کوتاه‌مدت و بی‌ارزش به دست می‌آورد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، از سازگار نبودن ایمان با دروغ این‌گونه پرده برمی‌دارد: «مؤمن بر هر خصلتی سرشته می‌شود مگر خیانت و دروغ» (المنذری، ۱۴۳۵ق، ج ۳، ص ۵۹۵، ح ۲۲؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ح ۱۷۵۱۶) و امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «دروغ ویران‌کننده ایمان است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۲۴۷، ح ۸؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ح ۱۷۵۲۳).

۴. زوال مروت و جوانمردی

متقلب و دروغگو، در حقیقت با عمل خود دیگری را فریب می‌دهد. چه بسا حق دیگری را ضایع و خود به جای او بنشیند. این امر، خلاف مروت و جوانمردی است. از این رو، یکی از پیامدهای تقلب این است که فرد متقلب مروت و

جوانمردی را برای نیل به هدف غیرمشروع خود هزینه کرده است. نکته قابل توجه در این پیامد، این است که فرد متقلب تا زمانی که از منافع تقلب خود بهره‌مند است، ناجوانمردی او ادامه دارد. به همین دلیل، امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند: «دروغ با جوانمردی جمع نمی‌شود» (آمدی، ۱۳۶۰، ج ۱، ۵۸۲؛ محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۳، ج ۱، ۱۷۵۶۸). همچنین فرموده است: «هرکس دروغ بگوید، مروت خویش را تباه ساخته است» (آمدی، ۱۳۶۰، ج ۱، ۷۹۴؛ محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۳، ج ۱، ۱۷۵۶۷). به عبارت دیگر، ممکن است فرد چنین تصور کند که یک تقلب در امتحان، یا در یک معامله و یا در انتخابات چندان گناه بزرگی نیست، به ویژه اگر پس از آن به توبه و استغفار بیانجامد. اما این تصور، خیال باطلی است؛ زیرا فرد با تقلب خود، به منفعتی نائل می‌آید که استحقاق آن را نداشته است. به ویژه اگر تقلب او به تزییع حق دیگری منجر شده باشد. پس تا زمانی که از آن منفعت بهره‌مند است، آن آثار و پیامدها پا برجاست و رهایی از نتایج شوم تقلب، امکان‌پذیر نخواهد بود. پس انسان متقلب، همواره ناجوانمرد است، مگر آنکه علاوه بر توبه، منافعی که به واسطه تقلب به آن دست یافته است را به اهلیش بازگرداند و حق را به حقدارش برساند.

۵. پشیمانی

پشیمانی، سرانجام ناخوشایند هر دروغ و تقلبی است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۲۱۱، ح ۱). در بسیاری از موارد، این پشیمانی در دنیا برای دروغگو و متقلب حاصل می‌شود. در برخی موارد، ممکن است پشیمانی این رفتار به روز قیامت و در پیشگاه محکمه عدل الهی کشیده شود. البته پشیمانی در آنجا، بسیار دردناک‌تر و سهمگین‌تر خواهد بود؛ زیرا جبران آن نیز بسیار دشوار یا ناممکن است. اینجاست که این پرسش مطرح شود: چرا سرانجام دروغ و تقلب پشیمانی است؟ آیا این به معنی آن است که دروغ‌گویان و متقلبان در آینده هدایت می‌شوند و از کرده خود پشیمان خواهند شد، یا برای پشیمانی دلیل دیگری وجود دارد؟

در پاسخ باید گفت: دروغگو و متقلب، تا زمانی که بر دروغ خود اصرار دارد، از سوی خداوند هدایت نخواهد شد. بنابراین، پشیمانی اینان دلیل دیگری دارد. به نظر می‌رسد، همان‌گونه که در آغاز اشاره کردیم، دروغ و تقلب در حقیقت پوشاندن حقیقت است. حال آنکه حقیقت همواره پنهان نخواهد ماند و سرانجام آشکار می‌گردد و خورشید نورانی، پرده‌های ظلمت را به کناری خواهد زد. از این رو، آشکار شدن واقعیت برای دروغگو و متقلب، بهره‌ای جز رسوایی و شرمندگی به ارمغان نخواهد آورد. اینجاست که نتیجه آن، پشیمانی و سرافکنندگی است. پس اگر در روایات، برای دروغ و تقلب نتایجی چون سرافکنندگی و خواری و پشیمانی (ر.ک: محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۳، ج ۱، ۱۷۵۵۵ و ۱۷۵۵۹ و ۱۷۵۶۴ و ۱۷۵۴۴ و ۱۷۵۴۵) برشمرده شده است، همگی بدان جهت است که حقیقت سرانجام نمایان خواهد شد؛ آنگاه است که انسان بدکار سرافکننده و پشیمان می‌گردد. اما اینکه چه زمانی حقیقت آشکار خواهد شد، در متن روایت بدان اشاره نشده است؛ زیرا ممکن است تحقق آن در ظرف زمانی دنیا نباشد و به جهان آخرت موکول شود. با این حال، حقیقت سرانجام آشکار خواهد شد.

۶. ناراحتی وجدان

اگر انسان متقلب از وجدان سالمی برخوردار باشد، همواره از ناراحتی وجدان خود در رنج است. گرچه با گذشت زمان، ممکن است تقلب و حق‌کشی خود را به فراموشی بسپارد، اما دست‌کم هر گاه رفتار ناپسند خود را به یاد آورد، از درون ناراحتی او را فرا گرفته، همواره از گذشته خود در آن خصوص فراری خواهد بود، به ویژه اگر تقلب او موجب تضییع حق دیگری شده باشد. البته این افراد، همواره سعی می‌کنند توجیهی برای رفتار خود بتراشند تا بتوانند با استاد به آن، خود را تسلی دهند. در حقیقت با فریب خود از رنج و الم درونی خویش بکاهند و یا آن را به فراموشی بسپارند؛ غافل از آنکه فراموشی آن چیزی را تغییر نخواهد داد و حقیقت را از بین نمی‌برد.

ب. پیامدهای اجتماعی

تقلب، پیامدهای اجتماعی ناگواری به دنبال خواهد داشت؛ چه بسیارند که با تقلب در زندگی خود، به منافع زودگذر مادی و دنیوی دست می‌یازند و اطرافیان آنان از این تقلب آگاه می‌شوند. در این صورت، تبعات سنگینی برای جامعه به بار خواهد آورد که برخی از تبعات، به تدریج و در فرایند زمانی نسبتاً طولانی خود را نمایان می‌سازد. البته، به هر میزان تقلب در جامعه بیشتر رواج یابد، تبعات آن نیز برای جامعه سنگین‌تر و جبران‌ناپذیرتر خواهد بود. برخی از مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی تقلب عبارت است از:

۱. تضییع حقوق دیگران

در تقلب، غالباً فرد متقلب به منفعتی دست می‌یابد که استحقاق آن را ندارد. نتیجه این عمل در کوتاه‌مدت یا بلندمدت، به تضییع حقوق فرد یا گروه دیگر خواهد انجامید. برای روشن شدن بحث، چند مثال در قالب پرسش مطرح می‌شود:

- کدام‌یک از ما حاضر هستیم برای درمان بیماری خود، به پزشکی مراجعه کنیم که مدرک پزشکی‌اش را با تقلب گرفته است؟

- کدام‌یک از ما آمادگی دارد بدن خود را به هنگام نیاز به جراحی، به تیغ پزشکی بسپارد که با تقلب تخصص خود را گرفته است؟

- به راستی اگر بدانیم، مهندسی در دوران تحصیل با تقلب واحدهای درسی خود را سپری کرده، حاضر می‌شویم ساخت منزل مسکونی خود را به او بسپاریم؟ آیا آمادگی داریم از روی پلی که او ساخته، عبور کنیم؟

البته باید دانست که بیمار به دست پزشک متقلب لزوماً نمی‌میرد، اما به یقین آن‌گونه که باید، مداوا یا جراحی نمی‌شود. همچنین، خانه و پلی که مهندس متقلب ساخته، لزوماً خراب نمی‌شود، اما به یقین از استحکام و اتقان لازم برخوردار نخواهد بود؛ زیرا دانشجویی که نسبت به تحصیل خود اهتمام نداشته و خود را فریفته است، بی‌شک دیگری را نیز فریب خواهد داد و در انجام دقیق و صحیح وظیفه طبابت یا مهندسی ساختمان و پل نیز آن‌گونه که باید، متعهد نیست. براین اساس، تقلب منجر به تضییع حق یا حقوق افراد زیادی می‌شود.

نوع دیگر تضییع حقوق، این است که افراد متقلب یقیناً جای افراد شایسته دیگری را اشغال کرده و در حقیقت، حقوق آنان را نیز پایمال کرده‌اند. متأسفانه امروزه بارزترین نوع تقلب در تصدی منصبی که استحقاق آن وجود ندارد، در انتخابات‌های گوناگون تحقق می‌یابد. به‌طور کلی در پدیده انتخابات، بستر انواع تقلب‌ها اعم از خلاف واقع‌گویی‌ها و رفتارهای خلاف واقع و پنهان ساختن واقعیت، فراهم است و تنها از طریق نظارت‌های دقیق، می‌توان از ورود افراد متقلب به عرصه انتخابات و یا رفتارهای هواداران، دست‌اندر کاران متقلب جلوگیری کرد.

سرانجام، نوع دیگر تضییع حقوق دیگران، تقلب در عرضه جنس نامرغوب، به جای جنس مرغوب به مشتریان است. چه بسیار محصولاتی که به نام محصول مرغوب و با برند آن، به مشتری عرضه می‌شود. درحالی‌که مشتری فریب نام برند معتبر آن کالا را خورده است. چه بسیار محصولی که ظاهر آن با باطنش ناهمخوان است و خریدار با خرید آن، مغبون می‌شود. این‌ها همگی انواعی از تقلب است که موجب تضییع حقوق هموعان شده، به واسطه آن فروشنده به خریدار مدیون و ضامن زیان او خواهد شد.

۲. سلب اعتماد عمومی

یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی تقلب، از بین رفتن اعتماد عمومی است. هر سازمان و یا نهادی که تقلب در آن سازمان رواج یابد، اعتماد عمومی از آن رخت بر خواهد بست. تفاوتی هم نمی‌کند که سازمان اقتصادی و تولیدی باشد، یا خدماتی و یا حتی اطلاع‌رسانی. روشن است که در بلندمدت آسیب و زیان بی‌اعتمادی عمومی، متوجه همان سازمان خواهد شد؛ چه‌بسا منجر به شکست و ازهم پاشیدگی آن سازمان گردد. به همین دلیل، بسیاری از کارخانه‌های تولیدی با برندهای مشهور برای پاسداری و حفظ اعتماد مشتریان خود، هزینه‌های سنگینی را بر خود هموار می‌سازند تا کالای تولیدی خود را به هنگام نقص جمع‌آوری کنند و کالای سالم به مشتری تحویل دهند. بی‌شک این اقدام هزینه‌بر، برای اعتمادسازی و پاسداری از اعتماد حاصل شده پیشین است؛ چراکه می‌دانند بقاء آنان در گرو اعتماد حداکثری جامعه است. چه بسیار دستگاه‌ها و نهادهای تولیدی و خدماتی و اطلاع‌رسانی، که به واسطه برخی رفتارهای متقلبان، اعتماد عمومی را از دست داده‌اند و نگران آینده خود هستند.

دولت‌ها و حکومت‌ها نیز همواره درصدد افزایش رضایت و جلب حمایت عموم ملت خود هستند و همه تلاش خود را در جهت حضور حداکثری مردم در امور اجتماعی، مانند انتخابات مصروف می‌دارند. حال تصور کنید تقلب انتخاباتی در کشوری رواج یابد و عموم مردم از این اقدام ناپسند، بلکه خیانت‌آمیز آگاه شوند. در این صورت، آیا حضور حداکثری اتفاق خواهد افتاد؟! به یقین عموم جامعه به انتخابات پشت کرده، مشارکت نخواهند کرد. این امر رضایتمندی عمومی را نسبت به حاکمیت پایین آورده، از اقتدار آن کشور در ابعاد بین‌المللی به شدت خواهد کاست و زمینه را برای بیگانگان برای نفوذ و ابراز دشمنی و توطئه فراهم خواهد آورد. در نهایت، همگان زیان خواهند کرد، حتی کسانی که اهل تقلب و خیانت بوده‌اند.

۳. فساد و تباهی

از پیامدهای دیگر تقلب، می‌توان به فساد و تباهی در ساختار نهادی که تقلب در آن انجام شده، اشاره کرد. برخی تقلب‌ها یا به صورت گروهی و با مشارکت اطرافیان انجام می‌شود و یا بعداً توسط برخی کشف می‌شود؛ اگرچه افرادی که از تقلب آگاه بوده‌اند، آن را فاش نسازند. اما آنچه در دوره پسا تقلب اتفاق خواهد افتاد، سهم‌خواهی همراهان و آگاهان از ذی‌نفع اصلی در تقلب است. سهم‌خواهی‌هایی که به‌عنوان حق‌السکوت مطالبه می‌شود، نقطه شروع فساد و تباهی است. این مطالبات، به صورت مستمر ادامه خواهد داشت و همچون ویروسی خطرناک، روزه‌روز به میزان شیوع آن افزوده خواهد شد. سرانجام سراسر آن نهاد، سازمان و یا حتی حاکمیت را فرا خواهد گرفت. زیباترین متن ادبی را در این موضوع، صائب تبریزی سروده است:

چون گذارد خشت اول بر زمین معمار کج گر رساند بر فلک باشد همان دیوار کج

اما این را نیز باید به خاطر سپرد که تقلب و خیانت، سرانجام خوشایندی نخواهد داشت. همان‌گونه که پیش از این گفته شد، موجبات پشیمانی را فراهم خواهد آورد؛ زیرا بار کج به منزل نمی‌رسد.

۴. یأس و ناامیدی عمومی

یکی از پیامدهای رواج تقلب، به ویژه در سطوح مدیریتی در نهادها و حکومت‌ها، ایجاد روحیه ناامیدی در آن تشکیلات است. وقتی ساختار یک تشکیلات، بر اساس تقلب شکل گرفت و زدوبندها جانشین شایسته‌سالاری گردید، به گونه‌ای که راه هرگونه اصلاح‌طلبی در ساختار و تأکید بر اصول اخلاقی مسدود گردید، یأس و ناامیدی سایه سنگین خود را در جامعه خواهد گستراند و نشاط و انگیزه فعالیت رخت خواهد بست. البته روحیه یأس و ناامیدی استمرار نخواهد داشت؛ کم‌کم آتشی در زیر خاکستر خواهد شد و نارضایتی عمومی گسترش خواهد یافت.

۵. کینه و دشمنی

یکی دیگر از پیامدهای تقلب، بروز نارضایتی از سوی مخالفان، به ویژه کسانی است که حقوقشان پایمال شده است. کمترین اثر نارضایتی، ایجاد کینه در دل این افراد است. کینه اگر شدید باشد، به دشمنی خواهد انجامید. البته دشمنی از سوی افرادی که به حق از تقلب صورت گرفته زبان دیده‌اند. پس افراد متقلب، همواره نگران بروز نوعی دشمنی و اقدام تلافی‌جویانه خواهند بود و با رفتار خود، جامعه و محیطی که تقلب در آن صورت گرفته، دچار نوعی آشوب و ناآرامی می‌شود.

ج. پیامدهای اخروی

عذاب آخرت

علاوه بر پیامدهای مهم در دنیا در دو بخش فردی و اجتماعی، نمی‌توان پیامد اخروی تقلب یا همان دروغ رفتاری را از نظر دور داشت؛ زیرا عذاب آخرت، به‌عنوان سنگین‌ترین نتیجه تقلب برای فرد است. بی‌شک وقتی انسان

متقلب با عمل خود، نفس خویش را آلوده به زشتی و پستی کند و ایمان خود را از دست دهد و سایر تبعات چنین عملی را بر خود هموار سازد و به پایمال ساختن حقوق دیگران راضی شود، در حقیقت استحقاق عذاب الهی را برای خود رقم خواهد زد. از این رو، در کلام زیبایی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «پیامد دروغ پستی در دنیا عذاب در آخرت است» (آمدی، ۱۳۶۰، ح ۱۷۰۸؛ محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۳، ح ۱۷۵۵۹ و ۱۷۵۶۴). همان‌گونه که بیان شد، اگر پیامد خلاف واقع نمای گفتاری - دروغ - عذاب آخرت باشد، پیامد خلاف واقع‌نمایی رفتاری - تقلب - به طریق اولی عذاب آخرت خواهد بود؛ زیرا پیامدهای سنگین‌تر و ناگوارتری برای فرد و جامعه به دنبال خواهد داشت. در پایان، بیان یک نکته بسیار مهم ضروری است و آن اینکه تبعات افشای تقلب، به اندازه‌ای سنگین است که افشای آن می‌تواند به قیام و آشوب جامعه بینجامد. در نتیجه، موجب شود حرکت مردمی، همچون سونامی غیرقابل کنترل طومار متقلبان را برچیند. این بدان جهت است که در خمیرمایه تقلب، خیانت نهفته است. خیانت رفتاری است که جامعه آن را بر نمی‌تابد.

اما جامعه و ملتی که دشمن دارد، باید بداند که ممکن است دشمنان با ایجاد توهم تقلب، در سطح عموم جامعه، مردم را به حرکت اعتراضی بر علیه حاکمیت تحریک سازند. از این طریق، اهداف شوم خود را پیاده ساخته، آن جامعه را به سوی آنچه خود می‌خواهند، با شتاب هر چه تمام‌تر به حرکت درآورند. بنابراین، برای اینکه جامعه‌ای از خطرات مصون بماند، باید در درجه اول، مسئولان و مدیران امین و متقی بر آن سرپرستی کنند و با شفاف‌سازی امور، جای شک و ابهامی برای جامعه باقی نگذارند تا از این طریق، دشمنان را خلع سلاح نموده، اجازه طرح چنین شبهاتی را از آنان بگیرند.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، یافته‌های زیر به دست می‌آید:

بررسی معنای لغوی و اصطلاحی تقلب به مفهوم منفی آن، رفتاری ناپسند است که واقعیت را وارونه نمایان می‌سازد. این معنا، تقلب را با دروغ، که وارونه نمایان کردن واقعیت از طریق گفتار است، قرین می‌سازد. تقلب در رفتار در صورت تکرار و استمرار، به رذیله اخلاقی تبدیل می‌شود و صاحب خود را به انسانی متقلب مبدل می‌کند.

پیامدهای تقلب را در دو بخش فردی و اجتماعی می‌توان چنین خلاصه کرد. گاهی پیامدهای تقلب، به‌ویژه در ابعاد اجتماعی، چنان گران و سنگین است که به آشوب و اعتراض‌های اجتماعی می‌انجامد.

ملتها و جوامعی که دشمنان آشکار و نهان دارند، باید مراقب باشند تا فریب توهم تقلب که از سوی دشمنانشان مطرح می‌شود، را نخورند.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، هجرت.
- آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۰، غرورالحکم، تهران، دانشگاه تهران.
- حرانی، ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران.
- زیبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر.
- شهید اول، محمد برمکی، ۱۳۶۵، الدرّة الباهرة، مشهد، آستان قدس رضوی.
- لیثی الواسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، عیون الحکم والمواعظ، تحقیق: حسین حسینی بیرجندی، قم، دارالحديث.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، تصحیح سیدابراهیم میانجی و محمدباقر بهبودی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۳، میزان الحکمه، قم، دارالحديث.
- المنذری، عبدالعظیم، ۱۴۳۵ق، الترغیب و الترهیب، دار ابن کثیر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی